

## بسمه تعالی

### مناسک دینی و علل و آثار فربهی آن

مصاحبه سیدحسین شرف الدین، عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره بایکی از دانش پژوهان دانشگاه باقرالعلوم (ع)، (۹۹/۴/۲۸).

۱) به نظر شما آیا مناسک مذهبی (خصوصاً مناسک عاشورایی؛ رسوم و آیین های عاشورایی) به لحاظ کمی و کیفی فربه شده است؟ تعبیر فربه شدن با جهت گیری غالباً منفی، درجایی صحت صدق و اطلاق دارد که مردم با استناد به مرجعیت معینی ملزم به رعایت مجموعه مشخص و محدودی از مناسک باشند تا تعدی از آن، فربهی و تورم تلقی شود؛ یا اساساً دینداری را به رعایت میزان معینی از مناسک مقید بدانیم به گونه ای که بیش و کم کردن آن نوعی اخلال در فرهنگ دینی و انحراف از مقتضیات آن تلقی شود. احتمالاً کسانی که خلق مناسبت های جدید و دادن وجه مناسکی بدان، احیای برخی مناسبت های مذهبی مغفول، مناسک سازی از برخی مناسبت های تاریخی مذهبی عادی و به طور کلی، افزایش بی قاعده و غلظت مناسبت های تقویمی شیعه بویژه در بخش سوکواریها را انحراف تلقی می کنند، دینداری را به میزان معینی از مناسک به عنوان وجه رفتاری و انضمامی دین (در مقابل وجه اعتقادی، فکری و شهودی آن) مقید می دانند و فراروی از آن را با هر توجیه، نوعی انحراف، بدعت و فاصله گرفتن جامعه از تشیع ناب تلقی و تفسیر می کنند. این که دینداری حقیقتاً بر مدار مجموعه خاص و تعیین شده ای از مناسک می چرخد در خصوص مناسک اولیه و توقیفی صادق است اما همه بحث در مناسک ثانوی، حد و اندازه متعارف، تورم آنها و آثار و نتایج ناشی از این تورم است. در هر حال، اگر افزایش تعداد هیات و تشکلات مذهبی، تعدد و تکرر بی رویه مجالس، تعدد اماکن مذهبی، افزایش روزافزون آمار مداحان و ارتقای منزلت اجتماعی آنها، افزایش مناسبت های تقویمی، ابداع آیین های جدید، افزایش برنامه های مناسبتی رسانه، تولید و عرضه انبوه محصولات فرهنگی دین، تکرر نمادها و نشانه ها و... نشانه فربهی مناسک باشد، بی شک، چنین وضعیتی در جامعه ایران بویژه در دو دهه اخیر بوقوع پیوسته و با شدت و حدت پایان ناپذیری نیز در حال پیش روی است. من هم به شخصه با تکرر بی مورد مناسبت های مذهبی بویژه از نوع سوکواری آن که پیامدهای روانی، معرفتی و اجتماعی خاصی برای جامعه به دنبال دارد مخالفم اما همه سوال در منطق این مخالفت است.

در تکمیل پاسخ فوق باید گفت که مناسک دینی در یک دسته بندی کلی معمولاً به دو نوع تقسیم می شوند: مناسک اولی مثل نماز و حج؛ مناسک ثانوی مثل عزاداری ایام محرم و عیادت سادات در روز عید

غدیر. مناسک دسته اول از مخترعات شرع و دسته دوم از مخترعات مومنان و عرف متشرع هرچند با الهام از دین شمرده می شوند؛ مناسک دسته اول دارای شکل و فرم اجرایی مشخص و تغییر ناپذیرند و مومنان باید به صورت تبعیدی آنها را طبق ضوابط شرعی به جای آورند؛ اما مناسک دسته دوم اصالتاً فاقد شکل و فرم اجرایی متصلب و تغییرناپذیرند؛ مناسک دسته اول عمری به درازی حیات شریعت دارند و دسته دوم اموری تاریخی و متن محورند که در دوره های بعد و در محیط های مذهبی تحت تاثیر تجربه های زیسته مومنان و خلاقیت های متشرعانه زمینه طرح یافته اند؛ صورت و محتوای دسته اول در طول تاریخ همواره توسط فقه اسلامی و پاسداران شریعت با ارجاع به قواعد و معیارهای پذیرفته شده حفاظت شده است؛ اما صورت و محتوای دسته دوم نوعاً تحت تاثیر متولیان فرهنگی و هنجارهای رویه ای در هر زمان حفاظت می شود و البته اصرار چندانی هم بر ثبات و تداوم آنها نیست؛ مناسک دسته اول تقریباً در همه جوامع اسلامی وضعیت و موقعیت کم و بیش یکسان یا مشابهی دارند اما دسته دوم اینگونه نیستند (نسبت به جوامع مختلف، دوره های تاریخی مختلف، شرایط فرهنگی اجتماعی مختلف؛ وضعیتی متفاوت، سیال و متغیر دارند)؛ التزام به مناسک دسته اول شاخص دینداری و تخلف تعمدی، توجیه ناپذیر و مستمر از آنها موجب زوال دینداری و خروج فرد از زمره دینداران می شود؛ اما التزام به دسته دوم هرچند مرجح است اما طبق معیارهای شریعت، جزو مولفه های دینداری شمرده نمی شود؛ اگرچه توده های مومن، عموماً پایبندی بیشتری به رعایت این دسته از مناسک در مقابل دسته اول، از خود نشان می دهند. کارکرد مناسک دسته اول عمدتاً انفسی، معنوی، تعالی بخش و تقرب جویانه است اما کارکرد مناسک دسته دوم بیشتر آفاقی، اجتماعی، سیاسی، هویتی اند. ناگفته نماند که غالب متشرعان فارغ از تقسیم بندی فوق، برای هر دو دسته مناسک درجاتی از تقدس، اعتبار، کارآمدی و هویت بخشی قائلند؛ تا حد امکان خود را به رعایت آنها ملزم می دانند و پایبندی بدانها را نشانه اهتمام مومنانه می شمرند. در هر حال، همه سوالات شما بر مدار دسته دوم مناسک دور می زند.

۲) اگر این مناسک فربه شده، پیامد این فربه شدن مناسک مذهبی چیست؟ (این پیامدها را مثبت ارزیابی می کنید یا منفی)

بافرض قبول فربه شدگی، پاسخ به این سوال احتمالاً از دید غالب متشرعان با کارشناسان فرهنگی اجتماعی یا پژوهش گران مطالعات میدانی دین متفاوت خواهد بود. بزعم من عموم متشرعان از این فربهی تلقی منفی ندارند و بلکه آن را نشانه غلظت دینداری و افزایش حساسیت مومنانه و افزایش موقعیت اجتماعی دینداری و فرهنگ دینی ارزیابی می کنند. از دید ایشان، سپهر دینداری ذاتاً و اصالتاً میل به بسط و توسعه به همه عرصه های زندگی دارد و کثرت این مناسبات موجب تذکار دائم و

کاهش زمینه های غفلت می شود. اما کسانی که آن را منفی و نشاط انحطاط فرهنگ دینی ارزیابی می کنند غالباً براین باورند که دامن زدن زیاد به رفتارهای مناسکی، جامعه مومنان را از توجه به جنبه های شناختی و معرفتی دین، خرد ورزی، کسب تجربه های معنوی و شهودی، مشارکت در فعالیت های اجتماعی بازمی دارد. زیادی مناسک (دسته دوم)، توازن میان ابعاد مختلف دینداری را برهم می زند، نرخ وقوع رفتارهای احساسی و هیجانی را در جامعه افزایش می دهد و به دلیل عدم مراقبت، در درازمدت زمینه درآمیختگی آنها به خرافات و فراموشی فلسفه وجودی آنها فراهم می شود. فربهی مناسک، دینداری را به مناسک گرایی تقلیل می دهد و این فربهی برای افراد در مقاطع سنی بالا رفته رفته به نوعی وازدگی و نفرت و احساس تهی شدگی منجر می شود. طبق تجربه، فربهی مناسک در بخش مناسبت هایی عاشورایی در چند سال اخیر به تشدید تمایزات فرقه ای و دامن زدن بیشتر به اختلافات مذهبی شیعه و سنی منجر شده است.

۳) به عقیده شما علل و زمینه های پذیرش و استقبال مردم از این مناسک چیست؟ اعتقاد غالب مومنان به اینکه التزام به مناسک (به عنوان عرصه پیوند عقاید و رفتارها یا موضع تلاقی باور و رفتار) اعم اولی و ثانوی نشانه و شاخص دینداری است، تلقی غالب مبنی براینکه تنها با مشارکت عملی در مناسک است که دینداری آشکار می گردد یا آثار تعالی بخش دینداری در جهان انفسی و به تبع آن در جهان اجتماعی مومنان به ظهور می رسد؛ اعتقاد عموم به بطلان تمایز میان گوهر و صدف دین که توسط برخی روشنفکران دینی مطرح شد، و عموم مومنان معمولاً به جای اولی، به هر دو و بلکه به دومی به دلیل آثار محسوس، اصالت بیشتری می دهند؛ جاذبه فی نفسه مناسک جمعی به دلیل نقش تمهیدی آن در ظهور برخی آثار مثل ابراز رسمی هیجانات، رهایی از فردگرایی و تقویت همبستگی اجتماعی، پرکردن بخشی از فرصت های فراغتی، تناسب آن با کلیت زندگی و میل انسان به عادت و ارگی (در همه بخش های زندگی و در همه عرصه های کنشی، نوعی میل به مناسکی شدن وجود دارد)، امکان یابی بیشتر جهت انجام جنبش های اجتماعی و سیاسی در شرایط مقتضی، ایجاد زمینه برای مشارکت هرچه بیشتر مومنان در عرصه خدمات رسانی به نیازمندان، تشدید و تقویت هویت مذهبی، فرصت یابی بیشتر روحانیت برای تبلیغ آموزه ها و ارائه تذکارات مناسک. گفتنی است مناسک دسته دوم به دلیل جنبه های خلاقانه و تازگی آن تا مدتی می تواند برای نسل جوان فارغ از کلیشه های سنتی جاذبه داشته باشد...

۴) به نظر شما چه عواملی در فربه شدن مناسک مذهبی، (مخصوصاً مناسک عاشورایی) در یک دهه ی اخیر نقش دارند؟ بزعم من عوامل متعددی در این خصوص مستقیم و غیر مستقیم موثر بوده اند از آن

جمله: نفوذ فرهنگ سکولار از مجرای فرایند جهانی شدن و ارتباطات گسترده میان فرهنگی با جهان و خوف از تضعیف سرمایه های فرهنگ دینی در این رویارویی، تهدید کیان شیعه توسط برخی گروهها و جریانات معارض و معاند، تلاش برخی اصلاح گران فرهنگی برای ایجاد وحدت میان شیعه و سنی و کاهش اختلافات تاریخی و متقابلا خوف برخی جریانات از کم رنگ شدن مرزهای اعتقادی و هویتی شیعه با دیگران در افکار عمومی شیعیان(دسته دوم، دامن زدن به مناسک مذهبی از نوعی عاشورایی را برای خنثی سازی هدف متعالی فوق، مهم می دانند)، تجربه بحرانهای وجودی در چند دهه اخیر، عطش معنوی و عدم ارضای آن از طریق برنامه های ریاضتی و سلوک اهل عرفان، تنزل دینداری از سطوح معرفتی به سطوح رفتاری، میدان داری بلامنازع مداحان همراه با موضع تاییدی غالب روحانیون سنتی، تشجیع و ترغیب مردم به راه اندازی و مشارکت در این نوع برنامه ها توسط برخی ارباب منابر، نیازبه هیجان زایی توده ای برای ترغیب به مشارکت درحوادث ناگواری همچون جنگ و سایر بحرانهای اجتماعی، تقابل باجریان روشنفکری دینی که برابعد معرفتی دین تاکید دارد، بالا بودن میزان جمعیت جوان کشور(که به مناسک هیجانی بهای بیشتری می دهند)، نیازقشر جوان به تخلیه هیجانانات، نقش رسانه ملی بویژه سیما در دامن زدن افراطی به مناسک بویژه عزاداریهای آیینی و ساخت یافته و ترویج آنها به عنوان الگوی مرجح دینداری، نقش ماهواره های مذهبی و شبکه های اجتماعی در تشدید این برنامه ها، تلاش سازمانهای فرهنگی برای جذب جوانها به کانونهای مذهبی تا مبادا جذب سایرجریانات شوند، فراغت زیاد و عدم پوشش این اوقات با فعالیت های فرهنگی سازنده، رشد شتابان فرهنگ پاپ از جمله مدگرایی در عصر کنونی، تناسب رفتارهای مناسکی با سبک های زندگی رایج(باویژگی غالب لذت گرایی، مصرف گرایی و فراغتی بودن)، مواضع تاییدی و تقویتی نظام اسلامی و سازمانهای فرهنگی وابسته(دولتمردان شدت اهتمام در این بخش را نشانه افزایش دینداری جامعه می دانند و این را نشانه موفقیت خود در اجرای سیاست های فرهنگی ارزیابی می کنند).